

ندارد) همینطور میشود گفت شرکت سهامی خاص سितه یا شرکت سهامی عام بانک صادرات ایران که بهر حال عبارت شرکت سهامی خاص یا عام باید بدون واسطه جلو یا بعد از نام شرکت قید شود و بدیهی است به صراحت تبصره مذکور نام شرکت همان سیته و صادرات است والا عبارت شرکت سهامی عام و خاص قابل انحصار نیست و نمی تواند به تنهایی معرف شرکتی باشد اما نکاتی قابل توجه است:

میدانیم يك نام برای دو شرکت از يك نوع قابل ثبت نیست و مرجع ثبت با مراجعه بسوابق و دفتر مخصوصی که دارد تعیین مینماید که اسم مورد درخواست قبلاً برای شرکتی دیگر ثبت شده است یاخیر - این امتناع در خصوص ثبت يك نام برای دو شرکت مشابه از جهت نوع شرکت مثلاً دو شرکت سهامی عام و یا دو شرکت سهامی خاص درست و قابل توجیه است اما در موردیکه مثلاً کلمه سیته برای يك شرکت سهامی خاص به ثبت رسیده باشد آیا این کلمه میتواند عیناً اسم يك شرکت سهامی عام نیز قرار گیرد و به ثبت برسد یا نه؟ اگر در جواب مختصر تأملی کنیم این تأمل بلحاظ تفاوت نوع دو شرکت خواهد بود، نکته اینست که آیا شرکت سهامی عام سیته با شرکت سهامی خاص سیته که شرکت دیگری است از نظر عموم قابل اشتباه است یاخیر می بینیم که شباهت این دو با وقتی که دو شرکت از یکنوع باشد کمتر است^۲ - بنابراین باید قبول کرد که اسم شرکت، وقتی عبارت شرکت سهامی خاص یا شرکت سهامی عام بآن اضافه شد، عبارت خواهد بود از مجموعه این کلمات، مثلاً «شرکت سهامی خاص سیته» یا «شرکت سهامی عام شهرزاد» نه سیته یا شهرزاد. البته این عدم تشابه وقتی که شرکت بعدی بطور کلی سهامی نباشد و از انواع دیگر شرکتها باشد بارزتر می شود مثلاً شرکت سیته با مسئولیت محدود با شرکت سهامی خاص سیته شباهت کمتری دارد تا شرکت سهامی خاص سیته با مثلاً شرکت سهامی عام سیته. این توضیح ضرورت دارد که این اسامی برای کسانی که نوعاً با این شرکتها مراوده و کار دارند تنها معرف و وسیله تشخیص نیست بلکه شهر، محل، نشانی، نوع کار، شغل، نام اداره کنندگان، آرمها و علامات، شماره ثبت و نظایر این گونه قرائن نقش مهمی در مشخص کردن شرکتی از شرکت دیگر دارند بنابراین در مورد اسامی شرکتها آن مقدار محدودیت و تنگ نظری که مثلاً در مورد علائم تجارتي ملحوظ میشود، اعمال نمی گردد.

بنابراین در موقع قبول تقاضای ثبت نام شرکت متصدی مربوطه باید به عوامل مختلف توجه داشته باشد و بی جهت موجب نشود که برای نامگذاری، شرکتها در تنگی قافیه بمانند - ضمناً کمتر اتفاق می افتد که مؤسسين شرکتی سعی کنند اسمی برگزینند که این اسم با اسامی ثبت شده دیگر آنقدر شباهت داشته باشد که بر مردم مشتبه شود که این شرکت با فلان شرکت یکی است برعکس سعی میکنند

(۳) این نامها برای مثال در اینجا آمده است و برای توضیح مطالب است و عقیده نویسنده براینکه اینها بایکدیگر شباهت دارد یا نه مطرح نیست.

موجباتی فراهم کنند که این اشتباه ایجاد نشود. میدانیم وقتی دو اسم قابل اشتباه باشد مشکلات زیادی ممکن است برای یکی باعتبار وجود دیگری فراهم آید. فرض کنیم نامی برای شرکتی به ثبت رسیده است و شرکتی دیگر همان اسم را عیناً مورد استفاده قرار دهد یا با تغییر مختصری، نام شرکت دیگری را بر خود گذارد برای شرکت اولیه که نام او مورد تقلید بعمد یا غیر عمد قرار گرفته است چه راهی در مقابل رفع این مشکل وجود دارد؟ میدانیم مشابهت اسم دو شرکت تا آن حد که ایجاد اشتباه برای مراجعین و اشخاص کند خالی از اشکال نیست مثلاً مراسلات، نامه‌ها، مکاتبات (گرچه نشانی‌ها از هم جداست و قرائن دیگری هم هست ولی نمیتوان این قرائن را رافع هرگونه اشکالی دانست) یا حتی حوادثی که برای شرکت دیگر پیش می‌آید، فرضاً ضرر می‌کند، جنس نامرغوب می‌فروشد، محصولات آن آنطور که می‌باید نیست، گران‌فروشی کرده، ورشکسته است و موارد دیگر که ممکن است برای شونده یا خواننده خبر یا بیننده جریان این اشتباه را بوجود آورد و وقتی نام مشابه را بشنود بدون اینکه جزئیات عام و خاص آن را در نظر داشته باشد و قرائن دیگری را که بآن اشاره کردیم، این یکی را بجای آن دیگری بگیرد و احتمالاً از این امر ضرری متوجه شرکت دیگر شود - بنابراین جا دارد ببینیم که اگر شرکتی با نامی مشابه و شبیه‌انگیز با نام شرکت دیگری به ثبت برسد شرکت اولیه آیا قانوناً چه اقدامی میتواند بعمل آورد. حرفی نیست که شرکت اولیه حق تقدم و حق مکتسب بر این اسم دارد که حتی بمشابه نام تجارتي او درآمده است و علی‌القاعده این شرکت ثانوی است که باید اسم ثبت شده خود را تغییر دهد - اما آیا کدام مرجع باین اختلاف میرسد الزام و اجبار شرکت ثانوی به تغییر نام، وسیله کدام مقام میسر است؟ ثبت شرکتها که این نام را به ثبت رسانیده است؟ چنین امکانی در قانون پیش‌بینی نشده است و اداره ثبت شرکتها چنین اختیاری ندارد - اسم شرکت میتواند پس از مدتی خود بخود ارزش و اعتباری داشته باشد - اسقاط و از اعتبار انداختن این حق مکتسب امر ساده‌ای نیست و امری اداری هم نیست و این کار متضمن اظهار نظر مقامات قضائی است. گرچه علامت تجارتي در مقوله دیگری است ولی در اینجا اشاره‌ای به علامت تجارتي عازی از فایده نمی‌باشد. اگر علامتی مشابه علامت دیگر تقاضا شود و اداره ثبت شرکتها آنرا بلحاظ مشابهت رد نکند و در مهلت سی‌روز قانونی هم که در روزنامه منتشر میشود ذینفع بآن اعتراض نکند علامت بنام متقاضی ثبت میشود و ابطال آن منحصرأ از طریق دادگاه میسر است.

در مورد شرکت‌ها پس از ثبت و هر تغییری مراتب آگهی میشود ولی این آگهی از جمله آگهی‌های پیش از ثبت علامت نیست که کسی بتواند بآن اعتراض کند بلکه اعلام تصمیمات شرکت است و در واقع کار ثبت تمام شده است. با توجه بآنکه حکم خاصی در قانون تجارت مربوط بشرکتها و مقررات ثبت شرکتها برای این مورد وضع نشده است و از طرفی دادگاههای عمومی مرجع تظلمات هستند (طبق اصل هفتاد و یکم متمم قانون اساسی) علیهذا بالحاظ ماده ۳ قانون آئین دادرسی مدنی در صورتیکه

نام شرکتی مورد تقلید شرکت دیگر قرار گیرد شرکت اولی میتواند برای ابطال نام مذکور و حتی الزام شرکت خواننده به تغییر نام بدادگاه برود.

در مقررات انگلیس^۴ به این مشکل توجه شده است بموجب این قانون هیچ شرکتی نمیتواند اسمی که بنظر The Board of Trade غیر موجه و ناخوشایند باشد بر خود نهد و هر کمپانی میتواند بجهت خاصی در صدد تغییر نام خود برآید و این امر پس از تأیید این مرجع عملی خواهد شد - چنانچه در اثر بی توجهی یا جهت دیگری برای کمپانی نامی ثبت شود که آن نام بعداً بنظر این مرجع بانام کمپانی دیگری که قبلاً ثبت شده است شباهت داشته باشد کمپانی ای که اسم دیگری را تقلید کرده است موظف است نامش را بانظر (THE B. OFT) عوض کند - کمپانی باید در حین ششماه از تاریخ ثبت، نام خود را تغییر دهد و یا ظرف شش هفته از تاریخ دستور (THE B. OFT) یا احتمالاً مدت طولانی تری که این مرجع مقرر دارد به تغییر آن اقدام کند و اگر کمپانی از انجام این دستور سرباز زند از زمان لزوم اجرای دستور برای هر روز تأخیر ۵ پوند جریمه باید بپردازد و وقتی کمپانی تغییر نام داد متصدی دفتر، نام جدید را بجای نام قبلی در دفتر قید خواهد کرد و تصدیق با ملحوظ داشتن ترتیبات فوق صادر خواهد کرد، تغییر نام کمپانی هیچگونه اثری در تعهدات و حقوق کمپانی ندارد و در اعمال مقررات و قوانین بنفع یا ضرر کمپانی نکشی و نقصی ایجاد نمی کند و اقدامات قانونی که ممکن بود بطرفیت کمپانی با نام سابق شروع و یا اقداماتی که شروع شده بود همچنان قابل اقامه و ادامه است کمپانی موظف است نام شرکت را با مشخصات کامل آن بصورت خوانا و کاملاً روشن نوشته و در قسمت خارجی ساختمان دفتر یا محلی که در آنجا کمپانی کار می کند نصب نماید و نیز نام و مشخصات مذکور را بنحو روشن بصورت مهر تهیه کند، همچنین نام و مشخصات کامل شرکت را بر روی کلیه اوراق، پاکتها، مراسلات و نشریات قید نماید و بر روی اوراق نظیر اوراق قرضه - اسناد بدهی - چکها و حواله ها، رسیدها، مرسولات و نیز محصولات و اجناسی که عرفاً باید معلوم باشد متعلق به کدام کمپانی و شرکتی است، ذکر کند.

در قانون ما همانطور که توضیح داده شد چنین ضوابطی نیامده است و مؤسسات و شرکتها بطور معمول برای نمایاندن خود و حرفه خود مشخصات شرکت را بر روی مهر و اوراق و اسناد منعکس می کنند و دفاتر و محل کار خود را بانام شرکت مشخص می سازند. در مورد اسم شرکت تا آنجا که مخالف با اخلاق حسنه و نظام عمومی نباشد در انتخاب اسامی آزاد هستند و معمولاً اداره ثبت شرکتها اسامی و نامهایی را که عرفاً پذیرفتنی است قبول میکند - در نام شرکت میتوان از حرف، عدد و کلمه استفاده کرد - چنانچه خواسته باشند نام شرکت با علامتی از جمله

4) The Companies Act, 1948. Section 17, 18, Page 392. Thomson's D. CT. of Banking.

۵) بغیر از تأکیداتی که در ذیل تبصره ماده ۴ قانون شرکت های سهامی عام و خاص شده است.

حروف و اعداد و کلمات همراه باشد میتوان این مشخصات را بعنوان نام شرکت منظور و ثبت کرد در صورتیکه تصویری باشد ثبت آن تصویر ضمن نام شرکت در اداره ثبت شرکتها متعذر است، عبارتی دیگر نام شرکت باید متضمن حروف، اعداد و کلماتی که قابل گفتن است باشد و در محاوره بگنجد و عرفاً بر آن «نام» بتوان اطلاق کرد در حالیکه تصویر فاقد این معناست و میتواند عنوان علامت تجارتي داشته باشد که آنها با عنایت بماده يك قانون ثبت علائم و اختراعات مصوب ۱۳۱۰/۴/۱ برای امتیاز و تشخیص محصول تجارتي یا فلاحتی اختیار میشود نه برای تمیز شرکتی از شرکت دیگر - البته شرکت میتواند آرم یا اشکالی را برای بیشتر مشخص کردن خود، بعنوان علامت تجارتي در طبقه ۳۵ آئین نامه علائم تجارتي که مربوط به خدمات است در اختیار داشته باشد. در هر حال اداره ثبت شرکتها در موقع ثبت نام شرکت بلحاظ اینکه نام شرکت بطور معمول و عرفاً باید ممتاز و مشخص از اسامی دیگری باشد که برای شرکتها انتخاب و ثبت شده است از قبول نامهایی که بنظر آن اداره مشابهی با نامهای ثبت شده داشته باشد امتناع میورزد و این فرصت عرفاً و از باب اینکه ثبت شرکتها قانوناً ناظر بر جریان ثبت شرکت است این وظیفه و اختیار را دارد که اظهار عقیده کند که نام مورد تقاضا با نامهایی که قبلاً ثبت شده است مشابهت دارد یا خیر و در صورت اول از ثبت آن نام امتناع ورزد اما چنانچه متقاضی مصر به ثبت این نام باشد و نظر ثبت شرکتها را در این خصوص مصاب و موجه نداند، بدیهی است میتواند بمحکمه شهرستان مراجعه و با ارائه مدارك و دلایل لازم الزام ثبت شرکتها را به قبول و ثبت نام مورد نظر بخواهد.

در ماده ۱۰۱ آئین نامه ثبت احوال (تاریخ تصویب قانون ۲۲ اردیبهشت ۱۳۱۹) ذکر شده است «هیچکس حق ندارد نام خانوادگی شخص دیگری را در قلمرو آمار و ثبت احوال آن محل، نام مؤسسه شخصی یا عنوان تلگرافی خود قرار دهد ولی شعب مؤسسات در سایر نقاط، نام مرکز اصلی را میتوانند داشته باشند ولو اینکه شخص دیگری نام مزبور را در محل تأسیس آنشعبه قبلاً برای نام خانوادگی خود ثبت کرده باشد.» توضیح اینکه در مقام نامگذاری شرکت باید توجه داشت که این اسم در محلی که شرکت به ثبت میرسد نام خانوادگی کسی نباشد بنظرمانه تنها این حکم غیر منطقی و بیوجه است اساساً از نظر قانون بی اعتبار است چرا که در قانون ثبت احوال تصریحاً توجهی به این معنی نشده است و حتی ماده قانونی، متضمن آنچنان کلیتی هم نیست که بتوان حکم مذکور در آئین نامه را استنباطی از آن دانست - ماده ۳۹ از فصل دوم قانون ثبت احوال را در خصوص نام خانوادگی که قاعدتاً میباید مستند حکم آئین نامه باشد در اینجا میآوریم «نامهای خانوادگی پس از ثبت در دفاتر ثبت احوال قلمرو دفتر آمار و ثبت احوال مختص اشخاصی است که بنام آن ثبت شده و دیگری حق اختیار آن نام را در حوزه قلمرو آن ندارد مگر با اجازه دارنده حق تقدم» بدیهی است مراد از عبارت ذیل ماده اینست که نام مزبور را

شخصی بدون اجازه صاحب آن بعنوان نام خانوادگی خود بکار برد والا استفاده از این نام جز بعنوان نام خانوادگی از مقوله این حکم خارج است. مؤید این معنا ماده ۴۰ همین قانون است «حق تقدم نام خانوادگی اشخاص پس از فوت بورته قانونی آن قابل انتقال میباشد... ولی مشترکاً میتوانند بدیگری اجازه دهند که نام خانوادگی آنها را اختیار کنند.» عبارت ذیل ماده وضوح بیشتری دارد که نام خانوادگی شخصی نمی‌تواند در حوزه آمار و ثبت احوال محل مورد استفاده دیگری بعنوان نام خانوادگی قرار گیرد و از آنجا که در ماده ۵۳ این قانون طرز اجرای این قانون را بعهده آئین‌نامه‌ای که بتصویب هیئت وزیران رسیده باشد موکول کرده و در ماده ۵۴ نیز اشاره به آئین‌نامه‌های اجرایی این قانون منجزاً کرده است و مآلاً این طور میتوان استدلال کرد که آئین‌نامه در مقام اجرای قانون است و نمی‌تواند متضمن امری باشد که بطور کلی در قانون پیش‌بینی نشده و بعبارتی دیگر زائد بر قانون حکمی بیاورد بخصوص در مانحن فیه که حکم آئین‌نامه متضمن تفویض حق باشخاص و سلب آن از دیگران است، بنا بآنچه گفتیم نمیتواند این حکم قانوناً مورد اعتنا قرار گیرد، علیهذا نام شرکت ممکن است اسم خانوادگی شخصی باشد که این اسم در آن محل به ثبت رسیده است.

تذکر ۱- میدانیم گردانندگان شرکتها در موقع تغییر نام یا در موقع تأسیس، در انتخاب نام شرکت دچار اشکال میشوند باین معنی که باید نامهای مختلفی را تعیین و بمرجع ثبت پیشنهاد کنند و ثبت شرکتها پس از بررسی و مراجعه به سوابق چنانچه این نامها مشابته با نامهای ثبت شده قبلی نداشته باشد یکی از آن نامها را بانتخاب ذینفع برگزینند و بدیهمی است این نام باید در صورت جلسات و متن اساسنامه شرکت در شرف تأسیس یا شرکتی که در صدد تغییر نام خود برآمده است قید شود. قبلاً در اداره ثبت شرکتها و مالکیت صنعتی در این گونه مواقع گردانندگان شرکت میتوانند به ثبت شرکتها مراجعه و نامی را برای شرکت ذخیره کنند - این روش کمک زیادی به اینگونه مراجعین بود زیرا میدانیم که نام شرکت باید در طرح اساسنامه مورد نظر و صورت جلسات قید و بداره ثبت شرکتها تسلیم گردد و پیش از اینکه شرکت مطمئن باشد که چه نامی برای او برگزیده خواهد شد ناگزیر این صورت جلسات و اوراق را تکمیل نمی‌کند و از طرف دیگر وقتی کارهای شرکت آماده است و درصددند که شرکت را بثبت برسانند مشکل تعیین نام میتواند کار تأسیس شرکت را مدتی معوق بگذارد و احتمالاً ضررها و عدم‌النفهمائی نصیب شرکت کند روی این اصل بود که اداره ثبت شرکتها سابقاً بدرخواست متقاضیان، نامی را برای شرکت در شرف تأسیس یا شرکتی که قصد تغییر نام داشت ذخیره می‌کرد. البته این امر بنا بر روش متخذه اداره ثبت شرکتها بود والا قانون در این خصوص ساکت است. در این اواخر اداره ثبت شرکتها از ذخیره نام برای شرکتها امتناع می‌ورزد و ظاهراً این تصمیم بلحاظ مشکلات اجرایی اتخاذ شده است اما بعقیده نگارنده جا دارد که ثبت شرکتها این همکاری مفید را همچنان

ادامه دهد. میتوان حکم ماده ۶ قانون شرکتهای سهامی عام و خاص «...لااقل ۲۵ درصد مبلغ تعهد شده را در حسابی بنام شرکت در شرف تأسیس نزد یکی از بانکها سپرده و سپس اظهارنامه...» و نیز بند ۲ ماده ۲۰ قانون مزبور را مفید این معنی دانست که پیش از ارائه اظهارنامه و سایر اوراق، نام شرکت در شرف تأسیس باید معلوم باشد تا تودیع وجه بنام شرکت بتواند انجام گیرد. بهر حال در برخی کشورهای خارجی هم ترتیب ذخیره نام در این موارد معمول است در امریکا^۶ رزرو نام شرکت قبل از ثبت شرکت یا بمنظور تغییر نام شرکت ثبت شده، مجاز است باین ترتیب که متقاضی باید تقاضانامه‌ای در این خصوص تسلیم قسمت مربوط به ثبت شرکتها کند. نام مورد درخواست با نام متقاضی و نشانی او در اظهارنامه قید شود. ثبت شرکتها پس از بررسی چنانچه این نام مشابه نام ثبت شده یا ذخیره شده‌ای نباشد آنرا برای متقاضی ذخیره می‌کند - قسمت گیرنده اظهار ضمن ذخیره نام برای متقاضی تصدیقی هم در این خصوص صادر و بمتقاضی تسلیم می‌کند. این «نام» مدت شصت روز سپری شود متصدی ثبت نام اطلاعیه‌ای برای متقاضی یا وکیل و یا نماینده او ارسال میکند تا اگر متقاضی مایل است ذخیره نام برای او بمدت شصت روز دیگر تمدید شود.



6) Business Corporation, Law. Section 302. Art. 3. Pages 134, 135 of New York.